

حق برخورداری اطفال از وکیل مدافع

زهرا رئوفی^۱

چکیده:

حقوق کودک یکی از زمینه‌های مهم حقوقی است که امروزه در سطح داخلی و بین‌المللی مورد توجه خاص قرار گرفته است. در سرتاسر جهان نگرانی خاص و فزاینده‌ای دربارهٔ محدودش شدن حقوق کودکان زیر ۱۸ سال وجود دارد؛ به خصوص کودکانی که در معرض سوءظن یا اتهام ارتکاب به جرم، ناگزیر در تماس با نظام قضایی قرار می‌گیرند. با مطالعه قوانین کیفری و به خصوص آیین دادرسی کیفری ایران می‌توان به برخی از ممیزات و تفاوت‌های دادرسی کیفری اطفال که مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است؛ اشاره نمود. در تحقیق حاضر نیز به یکی از حقوق اطفال در طول روند رسیدگی قضایی پرداخته شده که با عنوان حق برخورداری اطفال از وکیل مدافع شناخته می‌شود؛ این حق هم در اسناد بین‌المللی و هم در نظام حقوقی اکثر کشورها مورد مذاقه قرار گرفته است که در اینجا سعی در موشکافی این امر در نظام حقوقی ایران با مقایسه سایر اسناد و نظام‌ها می‌نمایم.

کلمات کلیدی: وکیل - حقوق اطفال - مراجع قضایی - اسناد بین‌المللی - سن مسوولیت کیفری

^۱ کارشناس ارشد حقوق عمومی (Zahra.raoofi@yahoo.com)



مقدمه

خداوند متعال انسان را موجودی بس ارزنده و جانشین خود بر روی زمین می‌داند. "انی جاعل فی الارض خلیفه" (بقره ۳۰) طبق این مفهوم در مقام تکوین، هر انسان را براساس فطرت سالم و حنیف موجودیت بخشیده "فطرت الله آلتی فطرالناس علیها" (روم ۳۰) و در مقام تشریح هر کودکی براساس گوهر یکدانه وجودش کفایت آموختن و عمل به همه نیکی‌ها و اجتناب از تمام بدهی‌ها را دارد" و لقد کرّمنا بنی آدم" (اسری ۷۰) از این منظر، در برخورد با انحرافات و کج‌روی‌های نوجوانان شیوه انتقام جویانه و مبتنی بر کینه و نفرت مطرود است. بلکه جامعه و والدین بایستی مترصد فرصت‌هایی برای جبران خطا و کوتاهی‌های گذشته باشند. حق بقا، حق حمایت، حق رشد و حق مشارکت کودک این پنداره مشترک را در سطح جهان به وجود آورده که برقراری مشارکت‌هایی برای حمایت از حقوق کودکان و گسترش آنها از طریق ایجاد فضای دوستدار کودک قطعاً لازم است. این اعتقاد جهانی که مبتنی بر احساس نیاز به تدوین قوانین مفید و نوین در جهت حمایت از کودکان بود، علاوه بر تاکیدات دین مبین اسلام موجب یک دگرگونی اساسی در رویکرد ما به کودکان را فراهم آورد. قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸/۹/۱۰ مشتمل بر ۳۳ ماده با الهام از اندیشه‌های مترقی زمان خود به عنوان اولین قانون جامع در حقوق کیفری شکلی اطفال به تصویب رسید. لیکن اجرای این قانون با توجه به مواد ۱ و ۳۰ آن که مقرر می‌نمود: درنقاطی که قانون اصلاح و تربیت به ترتیب مقرر در فصل چهارم این قانون تشکیل نگردیده طبق قانون مجازات عمومی تعیین کیفر خواهد شد به تصویب آیین نامه‌های مربوط یعنی سال ۱۳۴۷ موکول شد. پس از انقلاب اسلامی با توجه به تعدد قانونگذاری‌هایی که در راستای اسلامی کردن قوانین به عمل آمد دادگاه‌های اطفال به کنار گذاشته شد تا اینکه به موجب رأی وحدت رویه شماره ۶-۱۳۶۴۲/۲۳ به طور کلی دادگاه‌های اطفال حذف گردید و وظایف آن به دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ واگذار شد. متعاقباً قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ با توجه به قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به



کنوناسیون حقوق کودک به صورت کم رنگ به ضرورت تشکیل دادگاه اطفال یا اختصاص شعبه ۳-ای برای اطفال تصریح گردید. ماده ۴ قانون فوق الذکر از تخصیص شعبه یا شعبی برای رسیدگی به جرائم اطفال نام برده است. هرچند که این اقدامات را نمی توان در راستای عمل به تعهدات بین المللی دانست، لیکن به قطع و یقین بی تأثیر از آن نبوده است. در سال ۱۳۷۸ قانونگذار در قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری فصل پنجم از باب دوم را تحت عنوان ترتیب رسیدگی به جرائم اطفال به ایجاد دادگاه های اطفال، که شعبی از دادگاه های عمومی می باشند و آیین دادرسی اطفال بزهکار اختصاص داد. سپس در تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۱۸ لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان بنا به پیشنهاد قوه قضاییه در هیئت وزیران به تصویب رسید و برای طی تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردید. لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، با تأکید بر ضرورت ایجاد بستر قضایی مناسب و متناسب با منافع کودک و جامعه، به لحاظ فقدان قدرت تمیز کامل در این قشر از جامعه و تفاوت منشاء بزهکاری آنها و برقراری محیط صمیمانه بین کودک و مقامات قضایی و بالاخره رسیدگی مطابق با شخصیت و روحیات آنان و با عنایت به تبعات منفی ناشی از مجازات این دسته از افراد از جمله تقویت نابسامانی ها و افزایش حس عناد نسبت به جامعه و ناهنجاری های اجتماعی و اخلاقی در آنها در اجرای بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور تعیین عکس العمل مناسب و متناسب با شخصیت واقعی این گروه جهت اصلاح و تربیت آنها تهیه و به نمایندگان ملت برای تصویب پیشنهاد گردیده است.



۱- مسئولیت کیفری اطفال و دادرسی‌های مربوط به آن

حمایت از حقوق کودکان ایجاب می‌نماید نخست به سنی که در آن بتوان کودک را مسئول شناخت پرداخته و سپس اصول حاکم بر دادرسی‌های اطفال را بررسی نمود:

۱-۱- طفل و مسئولیت کیفری او

اینکه کودک از نظر مفهومی به چه کسی اطلاق می‌شود و مراحل کودکی چیست تا سخن از حقوق وی به میان آوریم از ابعاد مختلف قابل بررسی است؛ و از این منظر در پی بحث سن مسئولیت کیفری برخواهیم آمد:

۱-۱-۱- مفهوم و معیار کودکی

قرآن کریم شروع دوران طفولیت را بعد از پایان دوران جنینی می‌داند: «...فانا خلقناکم من تراب ثم من نطفه ثم من علقه ثم من مضغه... ثم نخرجکم طفلاً ثم لتبلغوا اشدکم ومنکم من یتوفی و منکم من یرد الی ارذل العمر لکیلا یعلم من بعد علم شیئاً...» (حج، ۵). به این ترتیب مراحل مختلف عمر انسان چنین احصا شده است: طفولیت یا صبايت، بلوغ، رشد، اشد، شیخوخت و ارذل العمر. در فقه، کودک به فردی اطلاق می‌شود که به سن بلوغ نرسیده باشد و کودکی دو مرحله، پیش از تمییز و تمییز دارد. تمییز، قدرت تشخیص خوب از بد است. قوه تمییز همان قوه عاقله است که به انسان اجازه می‌دهد فرق میان اعمال مجاز و ممنوع را تشخیص دهد.

سه دسته روایات در خصوص بلوغ وجود دارد، لیکن هر جا سن خاصی برای بلوغ تعیین شده است جنبه موضوعیت ندارد و اشاره به سن خاص، به عنوان اماره‌ای نسبی در جهت شناخت غالب افراد جامعه است که معمولاً در این سن آثار ظاهری بلوغ در آنان پدیدار می‌شود. البته در برخی روایات نیز «سن» در تشخیص بلوغ موضوعیت دارد و آن را اماره‌ای مطلق در مکلف کردن فرد دانسته‌اند، لیکن از آنجا که بلوغ، امری طبیعی است و با تلقیق



آیات و روایات، بایستی گفت: «بلوغ سنی، صرفاً اماره‌ای بر تحقق بلوغ جنسی است» و از آن روی که به امور طبیعی «ایجاد» تعلق می‌گیرد نه «جعل» بنابراین شارع در امور تکوینی و طبیعی، جعل تأسیسی ندارد. بلوغ هر چیز در طبیعت برحسب خود آن چیز است چنانچه در شریعت هم شارع، مکلف را به حصول همان علائم ارجاع داده است؛ مانند علائم بلوغ در مردان و زنان. از سوی دیگر به صراحت آیه ۶ از سوره مبارکه نساء، تحقق بلوغ به معنای خروج از مرحله کودکی نیست بنابراین آنچه موجب رشد قوای جنسی است، ملازمه با علل رشد قوای فکری ندارد. اما مفهوم طفل در قانون کشور ما با تحولاتی مواجه بوده است که رویکردی به مسئولیت کیفری و قابلیت تعقیب فرد دارد. مقنن در مواد ۳۶ و ۳۷ قانون مجازات عمومی مصوب دی ماه سال ۱۳۰۴ از اطلاق کلمه «طفل» به افراد ۱۵-۱۸ سال خودداری کرده است. یعنی آنکه مفهوم طفل از نظر این قانون افراد زیر پانزده سال تمام است.

در «قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸/۹/۱۰» افراد زیر هجده سال غیرقابل مجازات هستند و در صورت ارتکاب معارض با قانون، در کانون اصلاح و تربیت صرفاً با هدف تأدیب و تربیت نگهداری می‌شوند (مواد ۴ و تبصره ماده ۱۸). پس از انقلاب «بلوغ شرعی» مرز تشخیص طفل و غیر طفل گردید. ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، طفلی که به بلوغ شرعی نرسیده است را فاقد مسئولیت کیفری می‌داند و در تبصره ۱، اشاره به سن مشخصی نکرده است. با وحدت ملاک از ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، سن ۹ سال تمام قمری برای دختران و ۱۵ سال تمام قمری برای پسران موعد پایان کودکی محسوب می‌شود. گرچه مقنن ما از دیرباز بر این دیدگاه تأکید داشته است لیکن همگام با تحولات جهانی در سال ۱۳۸۱ از منظری نوین به مفهوم کودک توجه کرد؛ یعنی از «معیار قابلیت تعقیب کیفری» و «مسئولیت پذیری» طفل به سوی پذیرش مفهوم کودک از جنبه «بزه دیدگی» تغییر موضع داده است. ماده یک «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان» کلیه اشخاصی که به سن هجده سال تمام هجری شمسی رسیده‌اند را مشمول حمایت قانون می‌داند. در حالی که در مواد ۲ به بعد، کودکان را مورد حمایت قرار داده است، به طور تلویحی می‌توان مصداق کودکان را



اشخاص زیر سن ۱۸ سال تلقی کرد لیکن هنوز بین کودک و نوجوان حدی مشخص نشده است. از دیدگاه جهانی حدود و ثغور سن طفل، با در نظر گرفتن نظام‌های حقوقی مختلف تعیین می‌شود. این مورد به صراحت در اسناد سازمان ملل متحد، به ویژه ماده یک معاهده سیاسی، فرهنگی و حقوقی کشورهای عضو کاملاً رعایت شده است. در ماده یک پیمان نامه حقوق کودک، تمامی افراد زیر هجده سال را با واژه عمومی «کودکان» تحت شمول این پیمان نامه می‌داند. (مگر در موردی که تحت قوانین قابل اجرا در مورد کودکان، بلوغ در سنین کمتری تحقق یابد). در حالی که مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی، اصطلاح «نوجوان» را به تمامی افراد زیر ۱۸ سال بدون هیچ قید و شرط دیگری اطلاق می‌کند، در مقابل، مقررات پکن سن مشخصی را برای واژه «نوجوان» مقرر داشته و به ابزار این نظر اکتفا می‌کند که: «نوجوان عبارت است از کودک یا فرد جوانی که، تحت نظام قضایی مورد نظر، با او می‌توان به شیوه‌ای متفاوت از شیوه رایج برای بزرگسالان رفتار کرد» (ماده ۲، بند ۲-الف) با این وضعیت، در تعریف نوجوان به طور کامل تنوع سنی وسیعی از ۷ تا ۱۸ سال یا حتی بالاتر پیش می‌آید. چنین تنوعی به لحاظ وجود نظام‌های مختلف قضایی ملی، اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد و از تأثیر این مقررات مربوط به اطفال بزهکار نمی‌کاهد. لایحه «رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان» در ماده ۱ اعلام می‌کند: به کلیه جرائم افراد کمتر از هجده سال تمام خورشیدی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. با عنایت به عنوان لایحه، طیف سنی زیر ۱۸ ساله چنانچه مرتکب اعمال معارض با قانون شوند؛ یعنی اعمالی که جرم انگاری و تعیین مجازات شده است، تحت شمول این قانون قرار می‌گیرند یا بهتر است بگوییم نوعی حمایت خاص و متفاوت قانونی خواهند داشت، ضمن اینکه حقوق جامعه نیز فراموش نمی‌شود.

گفتنی است در ماده یک کنوانسیون حقوق کودک سن کودکی چنین تعریف شده است: «از نظر کنوانسیون، منظور از کودک، افراد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، س بلوغ کمتر تشخیص داده شود». همانگونه که توضیح داده شد در



حقوق اسلام و ایران سن معینی برای رشد مقرر نشده و در هر مورد باید فرد را جداگانه امتحان نمود و پس از آزمایش و فهمیدن اینکه صلاحیت و توانایی برای تشخیص نفع و ضرر خود را دارد اموالش را به او تحویل دهند.

۱-۱-۲- سن مسئولیت کیفری

برای سنی که در آن می توان یک نوجوان را از نظر عقل و منطق دارای مسئولیت کیفری دانست، معیار مشخص بین المللی وجود ندارد. کنوانسیون حقوق کودک در ماده یک کودک را به افراد انسانی زیر ۱۸ سال اطلاق می کند، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود. این کنوانسیون به دولت های عضو دستور می دهد، به تعیین یک سن حداقل برای نقض قانون کیفری مبادرت ورزند به نحوی که زیر این سن، کودک دارای قدرت نقض قانون تلقی نشود). کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۴۰، بند ۳ الف) مقررات پکن به دستور فوق می افزاید که «سن مسئولیت کیفری نباید بسیار پایین تعیین شود و لازم است واقعیات مربوط به بلوغ عاطفی، ذهنی و عقلی کودک را در نظر بگیرد» (حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان ماده ۱-۴). در حقوق اسلام ملاک مسئولیت کیفری و مجازات براساس قاعده «شرایط عامه تکلیف» بلوغ جنسی افراد ذکور و اناث است. همه فقها معتقدند که کیفر حد و قصاص از کودک ممیز و غیرممیز به دلیل «حدیث رفع» برداشته شده است؛ و کودک فاقد مسئولیت جنایی است و بیشتر فقها گفته اند که کودک هرگاه مرتکب عمل بزهکارانه شود، به جای حد، کیفر «تعزیر» درباره او اجرا می شود که سبک تر از حد است؛ ولی این تعزیر نه به عنوان کیفر بلکه برای تربیت و تهذیب اوست و جالب است بدانیم که معنای اصلی تعزیر «تأدیب» به معنای فراخواندن به خوبی ها و نهی از بدی ها است. به هر تقدیر در حقوق اسلام ملاک مسئولیت کیفری و مجازات، بلوغ جنسی (نه سال قمری برای دختران و پانزده سال قمری برای پسران) افراد ذکور و اناث است.



در سطح بین‌المللی هم، نوعی راهبرد کلی، متمایل به نگرش اسلام، برای تعیین سن مسئولیت کیفری به وجود آمده است که بر اساس آن، به جای سنت‌ها یا گرایش عمومی، این سن باید بر اساس یافته‌های پزشکی و روان‌شناختی جامعه‌شناسی تعیین شود. در واقع اصلی‌ترین و مهم‌ترین نگرانی، ناشی از عدم تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری، فقدان تضمین دسترسی به روند قضایی مناسب برای کودکان زیر این سن است. در حقیقت از آنجا که مداخله نظام قضایی تنها مجری تضمین حق برخورداری از قضاوت عادلانه است و صدور حکم، بیرون از نظام قضایی، شامل تصمیم‌گیری توسط نهادهای اداری، تابع قواعد ناظر بر دادگاه‌های رسمی نبوده و ممکن است خطر اتخاذ تصمیمات خودسرانه سلیقه‌ای را در پی داشته باشد، بنابراین لازم است هر کشوری یک رقم سنی را به عنوان حداقل سن کیفری رسماً اعلام کند، البته برخی از کشورها از سیستم موسوم به نظام مرحله‌ای یا پله‌ای استفاده می‌کنند که براساس آن، برای گروه‌های سنی متفاوت اقدامات متفاوتی در نظر گرفته می‌شود. به عنوان مثال: در اردن که مسئولیت کیفری از هفت سالگی آغاز می‌شود، متخلفین زیر ۱۲ سال در اصل فقط در معرض محکومیت به نظارت و اقداماتی در زمینه مراقبت رفتاری قرار دارند. برعکس در برخی جوامع، محدودیت سنی معین نشده و سن مسئولیت کیفری عملاً از بدو تولد آغاز می‌شود. در فرانسه حداقل سن مسئولیت کیفری سیزده سال است، کودکان ۱۰ و ۱۲ ساله هم ممکن است ناگزیر از حضور در این شرایط گردند، قاضی فقط می‌تواند به صدور دستور اقدامات آموزشی و مراقبتی، از جمله آزادی به قید التزام، در صورتی که تشخیص دهد کودک در معرض خطر قرار دارد، مبادرت ورزد. تفاوت‌های موجود بین کشورهای مختلف واقعاً حیرت‌آور است. لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در ماده ۲ عنوان می‌کند: اطفال در صورت ارتکاب جرم مبرای از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به نحو مقرر در مواد آتی است. بنابراین لایحه مذکور اطفال را از مسئولیت کیفری مبرا می‌داند و گرچه سنی برای شروع مسئولیت کیفری مشخص نکرده لیکن رسیدن به حد بلوغ شرعی لازم برای تحمل تبعات جزایی رفتار



مجرمانه می‌داند. در حقیقت بلوغ اماره‌ای از برای تشخیص حسن و قبح عمل و پیش‌بینی نتیجه حاصل از عمل قلمداد گردیده است.

در ایران طبق قانون مجازات اسلامی سابق، سن مسئولیت کیفری مشخص نبود و حقوقدانان در این خصوص به قانون مدنی مراجعه و دختران بالای نه سال قمری و پسران بالای ۱۵ سال قمری را دارای مسئولیت کیفری می‌دانستند، اما در قانون مجازات جدید گامی مثبت با تصریح سن مسئولیت برداشته شده است. در این قانون دیگر سن مسئولیت کیفری مطلق نیست؛ بلکه برای تشخیص بلوغ واقعی متهم به پزشک قانونی مراجعه و کارشناسان پزشکی قانونی بلوغ را در او اعلام می‌کنند. با این مکانیزم ممکن است سن بلوغ از ۱۶ تا ۱۹ سال در افراد متفاوت، متغیر اعلام شود.

۲-۱- حقوق اطفال در اسناد مختلف

با توجه به توسعه فکری و اخلاقی جامعه بشری در قرن گذشته و با الهام از تعالیم دینی و اخلاقی در اندیشه‌های حقوقی جدید شاهد تدوین قواعد و مقررات حمایتی می‌باشیم که تحت عنوان حقوق کودک قابل بررسی است. در این بخش در دو سطح داخلی و بین‌المللی به بررسی اجمالی اسناد مرتبط با حقوق کودک می‌پردازیم:

۱-۲-۱- در سطح بین‌المللی

اولین قدم قانونی برای حمایت از حقوق کودک در سال ۱۹۲۴ توسط جامعه ملل برداشته شد. زمانی که اولین اعلامیه‌ی ۵ ماده‌ای حقوق کودک معروف به اعلامیه ژنو که توسط یک سازمان غیردولتی بین‌المللی تهیه شده بود را تصویب نمود. این اعلامیه ۵ ماده‌ای هیچ جنبه الزام‌آوری برای دولت‌ها نداشته و صرفاً به صورت یک بیانیه حسن نیست و سفارش تنظیم شده بود.

در اعلامیه جهانی حقوق بشر که در ۱۹۴۸ مورد تصویب قرار گرفت نیز به طور محدود به حقوق کودکان توجه شد اما شرایط ویژه کودکان به خصوص در طول دوران جنگ جهانی دوم ضرورت تصویب سندی مجزا در این زمینه را ایجاب می‌نمود و بر همین اساس اعلامیه حقوق کودک در ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ تصویب شد. این اعلامیه محتوی ۱۰ اصل اساسی پیرامون ضرورت حمایت‌های ویژه جسمی و فکری، آموزشی، بهداشتی، درمانی، رفاهی - اجتماعی و فرهنگی برای تمام کودکان بدون در نظر گرفتن نژاد و رنگ و زبان بود.

با توجه به این که اعلامیه ۱۹۵۹ سازمان ملل در مورد کودکان تعهد اجرائی برای دولت‌ها ایجاد نمی‌کرد و ارزش حقوقی قطعنامه‌های مجمع عمومی را داشت و از سوی دیگر دنیا به وضوح شاهد تضييع حقوق کودکان بود، لذا ضرورت تصویب یک معاهده که مورد تصویب و پذیرش دول مختلف قرار گیرد. ضروری به نظر می‌رسید بنابراین ۳۰ سال بعد در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ کنوانسیون مربوط به حقوق کودک توسط مجمع عمومی مورد تصویب قرار گرفت که در دیباچه آن به اسناد بزرگ حقوق بشر، اعلامیه حقوق کودک ۱۹۲۴ و ۱۹۵۹ نیز اشاراتی وجود دارد.

۱-۲-۲- در اسناد داخلی

در اصل ۲۱ قانون اساسی قانونگذار بر ضرورت حمایت از مادران در دوران بارداری و شیردهی و حضانت اطفال و حمایت از کودکان بی‌سرپرست تأکید دارد بدون شک حمایت از مادر در دوران بارداری و حضانت تا حد زیادی تأمین کننده حق بر سلامت و حیات کودک خواهد بود.

فصل هفدهم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی به جرائم علیه اشخاص و اطفال پرداخته و به مواردی از جمله ایجاد مزاحمت برای طفل، کودک ربائی، سقط جنین و رها کردن کودک در اماکن خالی از سکنه اشاره نموده است.



در سال ۱۳۸۱ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در ۹ ماده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید در این قانون به مواردی از جمله کودک آزاری، بهره‌کشی، قاچاق کودکان و سوء استفاده از کودکان در جرائم خلاف قانون پرداخته است.

۱-۳- دادرسی اطفال در اسناد مختلف

دادرسی اطفال براساس برخوردی حاوی اغماض به مفهوم خاص کلمه بنا نشده، بلکه اصل بر آن است که واکنش نسبت به ارتکاب خلاف توسط نوجوان آن گونه باشد تا باعث بازپروری وی شود و به راه حل های سازنده مبتنی بر بازگشت به جامعه اهمیت ویژه بخشد. قوانین ملی کشورها و اسناد بین المللی بر تحقق دادرسی عادلانه تأکید دارند. قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل برای مدیریت دادگستری جهت نوجوانان مقرر می دارد:

«نوجوانان تحت بازداشت تا زمان محاکمه از کلیه حقوق و تضمین های مندرج در قواعد حداقل قواعد استاندارد رفتار با زندانیان مصوب سازمان ملل متحد برخوردار خواهند بود. مهمترین اسناد بین المللی در دادرسی اطفال عبارت است از: اعلامیه حقوق کودک، اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه حقوق کودک، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان، مقررات پکن، رهنمودهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان، مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی، کنوانسیون حقوق کودک...»

امروزه کلیه کشورها به سمت قانونگذاری خاص نسبت به اطفال درحوزه کیفری تمایل دارند ومقتن ایران نیز در چند دهه اخیر گام های مثبتی به این سمت برداشته است. اصول رسیدگی به جرایم اطفال عبارتنداز: غیر علنی بودن دادگاه، منع افشای جریان دادرسی، نقش دادگاه در تحقیقات، احضار اطفال از طریق ولی، تجدیدنظر در مجازات، رسیدگی مستقیم، استفاده از وکیل مدافع...

متون مذکور در ذیل به مسئله دادرسی اطفال پرداخته اند:

۱-۳-۱- دادرسی اطفال در اسناد بین‌المللی

قوانین ملی کشورها و اسناد بین‌المللی بر تحقق دادرسی عادلانه تأکید دارند. ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد «هرکسی که به بزهکاری متهم شده باشد بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد و تقصیر او کاملاً محرز گردیده» میثاق بین‌المللی مدنی سیاسی نیز بر همین امر دلالت دارد. قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل برای مدیریت دادگستری جهت نوجوانان مقرر می‌دارد: «نوجوانان تحت بازداشت تا زمان محاکمه از کلیه حقوق و تضمین‌های مندرج در قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان مصوب سازمان ملل متحد برخوردار خواهند بود.

تا کنون حدود ۸۰ سند بین‌المللی درخصوص دادرسی اطفال تنظیم و تصویب شده است. مهمترین اسناد بین‌المللی در دادرسی اطفال عبارت است از:

- اعلامیه حقوق کودک (۱۹۲۴ میلادی)
- اعلامیه جهانی حقوق بشر
- اعلامیه حقوق کودک (۱۹۵۹ میلادی)
- میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶ میلادی)
- میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶ میلادی)
- حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان
- مقررات پکن (۱۹۸۵ میلادی)
- رهنمودهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان
- رهنمودهای ریاض (۱۹۹۰ میلادی)
- مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی (۱۹۹۰ میلادی)
- پیمان نامه حقوق کودک (۱۹۸۹ میلادی)



توجه به دادرسی افتراقی در خصوص جرایم اطفال به ابتدای قرن بیستم بر میگردد. ضرورت اتخاذ سیاست های افتراقی نسبت به کودک ناشی از اهمیت دوره کودکی در شکل گیری شخصیت انسان است. امروزه کلیه کشورها به سمت قانونگذاری خاص نسبت به اطفال درحوزه کیفری تمایل دارند ومقنن ایران نیز در چند دهه اخیر گام های مثبتی به این سمت برداشته است.

۱-۳-۲- دادرسی اطفال در ایران

مقنن با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ کوشید رسیدگی به جرایم اطفال دارای ویژگی هایی است که آن را از رسیدگی به سایر جرایم متمایز می کند ونشان از اهمیت برخورد با کودک دارد. پایان سن رسیدگی در دادگاه اطفال در ایران ۱۸ سال است و این سن در دیگر کشورها هم متفاوت است اما اکثراً کمتر از ۱۸ سال نیست. اصول رسیدگی به جرایم اطفال عبارتنداز: غیر علنی بودن دادگاه، منع افشای جریان دادرسی، نقش دادگاه در تحقیقات، احضار اطفال از طریق ولی، تجدیدنظر در مجازات، رسیدگی مستقیم، استفاده از وکیل مدافع...

تحولات دادرسی اطفال بزهکار در حقوق ایران به شرح زیر قابل بررسی است:

۱-قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ سن مسئولیت کیفری نسبی را ۱۲ سالگی وسن مسئولیت کیفری مطلق را ۱۸ سالگی مقرر نمود. طبق این قانون اطفال دارای مسئولیت کیفری به دو دسته ۱۲ تا ۱۵ و ۱۵ تا ۱۸ سال طبقه بندی شدند و در مقابل هرگروه سیاست های تنبیهی و تربیتی خاصی درنظر گرفته می شد. این قانون ماهوی به تشریفات رسیدگی به جرایم اطفال توجهی نداشت. رسیدگی به جنایات اطفال ۱۵ تا ۱۸ در دادگاه جنحه صورت می گرفت.



۲- قانون تشکیل دادگاه های اطفال بزهدکار: قانون تشکیل دادگاه های اطفال مصوب ۱۳۳۸ اولین قانونی است که به طور کامل به مسئله اطفال بزهدکار توجه نموده است. از ویژگی های این قانون توجه به هر دو بعد شکلی و ماهوی جرایم اطفال است و از مهمترین مقررات شکلی در این قانون، ضرورت تشکیل دادگاه های اطفال در هر شهرستان است همچنین نحوه اجرای تصمیمات دادگاه اطفال با تأسیس قانون اصلاح و تربیت مورد توجه قرار گرفت. قانون فوق سن مسئولیت کیفری نسبی را ۱۶ سال تمام شمسی و سن مسئولیت کیفری مطلق را ۱۸ سال تمام قرار داد. مطابق این قانون اطفال به سه دسته ۶ تا ۱۲ سال، ۱۲ تا ۱۵ سال، و ۱۵ تا ۱۸ سال تقسیم می شدند. پذیرش مقررات خاص دادرسی اطفال (دادرسی افتراقی) و مسئولیت کیفری تدریجی از ویژگی های این قانون است.

۳- لایحه قانونی تشکیل دادگاه های عمومی: این لایحه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۸ به تصویب شورای انقلاب رسید و با بازگشتی مجدد به گذشته به حذف دادگاه های اطفال منجر شد و رسیدگی به جرایم اطفال را به دادگاه های عمومی واگذار نمود. مطابق این قانون مقررات دادرسی افتراقی که در قانون سال ۱۳۳۸ پیش بینی شده بود همان لازم الاجرا بود.

۴- قانون تشکیل دادگاه های کیفری یک و دو: مطابق این قانون که در سال ۱۳۶۱ به تصویب رسید و همچنین رأی وحدت رویه شماره ۶-۱۳۶۴/۲/۲۳ به جرایم اطفال بالغ (۹سال و ۱۵ سال قمری) طبق مقررات عمومی در دادگاه های کیفری رسیدگی می شد. این قانون باز هم با رجعتی به گذشته نه تنها حذف دادگاه های اطفال را که در قانون سال ۱۳۵۸ مقرر شده بود تأیید کرد بلکه مقررات دادرسی افتراقی به جرایم اطفال که در قانون تشکیل دادگاه های اطفال پیش بینی شده و قانون تشکیل دادگاه های عمومی سابق نیز به آن تصریح کرده بود را نسخ کرد.

۵- قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب: این قانون در سال ۱۳۷۸ به افول هفده ساله حقوق کیفری اطفال پایان داد و در مواد ۲۱۹ الی ۲۳۱ دادگاه های اطفال را احیا



نمود و باتدوین مقرراتی در باب دادرسی افتراقی نسبت به اطفال مقررات شکلی قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار را مورد پذیرش قرار داد اما به سکوت در مقابل مسئولیت کیفری تدریجی اطفال قواعد ماهوی را به قانون مجازات اسلامی و ماده ۴۹ آن احاله داد. شورای عالی توسعه قضایی لایحه تشکیل دادگاه اطفال را تدوین نمود که می تواند به تحولی در سیستم دادرسی کودکان منتهی شود.

۶- قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب سال ۱۳۹۲: با توجه به اینکه اطفال و نوجوانان به دلیل نداشتن مهارت‌های لازم برای زندگی اجتماعی و فقدان اطلاع کافی از قوانین درمقایسه با سایر افراد جامعه در معرض ارتکاب جرم قرار می‌گیرند و از سوی دیگر باز اجتماعی شدن آنان از اهمیت بالایی برخوردار است، از این رو مقنن در وضع قوانین چه مقررات ماهوی و چه شکلی به رویکرد اصلاحی توجه کرده است. همچنین برای جلوگیری از آسیب‌پذیری بیشتر این قشر مقررات جدیدی وضع و در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال گذشته به صورت ویژه الزاماتی را درباره رسیدگی به جرایم این افراد مقرر کرده است.

تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان:

با توجه به اینکه اطفال و نوجوانان به محض ارتکاب جرم با مرجع قضایی مواجه می‌شوند و با در نظر گرفتن این موضوع که شیوه اقدام‌های پلیسی نسبت به آنان باید حاوی تدابیر خاصی باشد بنابراین مقنن در ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری جدید برای حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان نیروی انتظامی را به تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مکلف کرده است که البته وظایف و حدود اختیارات آن به موجب لایحه‌ای خواهد بود که از سوی رییس قوه قضاییه ابلاغ خواهد شد.

به منظور تلطیف اقدام‌های انتظامی درباره اطفال در ماده ۴۲ همین قانون تاکید شده، بازجویی و تحقیقات از اطفال در صورت امکان توسط ماموران انتظامی آموزش‌دیده زن انجام شود.

طبق ماده ۲۸۵ باید شعبه‌ای از دادرسی عمومی و انقلاب هر حوزه قضایی با عنوان دادرسی ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس تشکیل و تحقیقات مقدماتی جرایم افراد ۱۵ تا ۱۸ سال - جز در مواردی که به طور قانونی و مستقیم در دادگاه صورت می‌گیرد- در این دادرسی ویژه انجام شود.

تشکیل پرونده شخصیت برای اطفال و نوجوانان بزهکار:

تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار در قانون آیین دادرسی کیفری جدید از دیگر قابلیت‌های این قانون می‌باشد؛ برابر ماده ۲۰۳ قانون ذکر شده در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد یا تعزیر درجه ۴ و بالاتر است، همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه یا بیشتر است بازپرس در خصوص تمامی متهمان مکلف به صدور دستور تشکیل پرونده شخصیت برای متهمان است که این موضوع باید توسط واحد مددکاری اجتماعی انجام شود.

این پرونده حاوی گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی همچنین گزارش پزشکی و روانپزشکی متهمان خواهد بود. این تاسیس حقوقی که بیشتر جنبه جرم‌شناسی دارد در قوانین آیین دادرسی کیفری قبلی وجود نداشت اما در قانون جدید وضع شده و نسبت به اطفال و نوجوانان غیر از موارد ذکر شده در جرایم تعزیری درجه‌های ۵ و ۶ نیز تشکیل این پرونده شخصیت پیش‌بینی شده است.

تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان:

تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان هم از دیگر مواد این قانون می‌باشد؛ مطابق ماده ۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری جدید دادگاه اطفال و نوجوانان یکی از دادگاه‌های کیفری اختصاصی محسوب می‌شود و برابر قانون این دادگاه با حضور یک قاضی و دو مشاور تشکیل خواهد شد.

به موجب تبصره ماده ۲۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ در هر حوزه قضایی باید یک یا چند شعبه اطفال و نوجوانان تشکیل شود که البته در خصوص جرایم در



صلاحیت دادگاه‌های کیفری یک یا انقلاب اطفال و نوجوانان، به جرایم آنها در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به اطفال و نوجوانان رسیدگی خواهد شد.

برابر ماده ۳۱۵ همین قانون متهمان اطفال و نوجوان از تمامی امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوان اعمال می‌شود بهره‌مند خواهند بود.

برابر قانون، رییس دادگستری یا رییس کل دادگاه‌های استان هر حوزه قضایی طبق وضع موجود ریاست دادگاه‌های اطفال و نوجوانان را نیز برعهده خواهد داشت و قضات دادگاه‌ها و دادرهای اطفال و نوجوانان از بین قضاتی که حداقل ۵ سال سابقه خدمت قضایی داشته باشند و شایستگی آنها برای این موضوع با رعایت سن و جهات دیگر احراز شود توسط رییس قوه قضاییه منصوب خواهد شد.

۲- بررسی حق برخورداری اطفال از وکیل مدافع در اسناد و کشورهای مختلف

یکی از مظاهر بدیهی دادرسی عادلانه نسبت به کودکان داشتن حق برخورداری از وکیل می باشد که اکثر کشورها در حال حاضر به آن اذعان می کنند. و نشست های بین المللی نیز حاکی از همین امر است. الزامی کردن وکیل در فرایند رسیدگی می تواند از مولفه های مهم جهت پیشگیری از تکرار بزه دیدگی به شمار آیند. فلذا بررسی این قضیه در لابه لای نوشته های حقوقی امری ضروری است لیکن دکتترین کمتر به این مقوله پرداخته اند اما با این وجود این حق بنیادین کودک در لابه لای اسناد فراموش نگردیده است و با مطالعه آنها به این امر پی می بریم:

۲-۱- حق برخورداری اطفال از وکیل مدافع در اسناد بین المللی

رعایت منافع کودکان از اهم ملاحظات است که در کنوانسیون به طور مشخص به آن اشاره شده است و به عنوان یکی از مباحث اصلی مطرح می‌باشد. بر این اساس در کلیه اقدامات و اموری که به کودکان مربوط می‌باشد. دولت‌ها و خانواده باید منافع کودک را مد



نظر قرار دهند. به همین لحاظ در ارتباط با اجرای عدالت در مورد نوجوانان بزهکار بر ممنوعیت شکنجه، بازداشت غیرقانونی و اعمال مجازات اعدام نسبت به آنها و حق دسترسی کودک به مشاوره حقوقی تأکید می‌کند. و به دولت‌ها توصیه می‌کند که در برخورد با کودکان مجرم رعایت عدالت را نموده و منافع کودکان را در نظر بگیرند و امکان دفاع و دسترسی به مشورت‌های قانونی را برای کودکان فراهم کنند.

کنوانسیون حقوق کودک در بند ۲ قسمت ب ماده ۴۰ به حق کودک در مظان اتهام مبنی بر برخورداری از مساعدت حقوقی برای تهیه و ارائه دفاعیه خود تصریح نموده است. مقررات پکن نیز به حق کودک و نوجوان مبنی بر بهره‌مندی از خدمات مشاوره حقوقی و معاضدت حقوقی رایگان اشاره دارد.

مقررات اساسی ملل نیز در شق الف بند ۱۸ برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی مقرر نموده است که نوجوانان باید از حق مشاوره حقوقی برخوردار باشند و بتوانند معاضدت حقوقی رایگان (در صورت وجود این گونه معاضدت) درخواست نمایند و با مشاوران حقوقی به طور مستمر در تماس باشند. مصونیت از افشا و محرمانه بودن این گونه تماس‌ها باید رعایت گردد.

همانطور که گفته شد قوانین ملی کشورها و اسناد بین‌المللی بر تحقق دادرسی عادلانه به ویژه نسبت به اطفال تأکید دارند. یکی از مظاهر دادرسی عادلانه حق استفاده از وکیل می‌باشد. در میثاق بین‌المللی مدنی سیاسی بر حق استفاده از وکیل و مشاوره‌های حقوقی رایگان تأکید شده است.

۲-۲- حق برخورداری اطفال از وکیل مدافع در کشور فرانسه

در کشور فرانسه دادستان، به عنوان نماینده جامعه نقش اساسی در کنترل دادرسی نوجوانان ایفا می‌کند؛ با این وصف اغلب یک توافق کلی بین دادرسی و قاضی نشسته وجود دارد لذا دادستان جمهوری در شروع به تعقیب نوجوان نقش مهمی دارد بر اساس ماده ۷



مقررات ۱۹۴۵: «دادستان جمهوری در حوزه صلاحیت دادگاه اطفال موظف است نسبت به تعقیب جنایات و جنحه های ارتكابی توسط اطفال اقدام کند.»

در مقررات کشور فرانسه حضور فعال وکیل در مرحله پیش از محاکمه به ویژه در تحقیقات مقدماتی است. براساس بند چهار ماده چهار تصویب نامه ۱۹۴۵: «از ابتدای تحت نظارت قرار گرفتن نوجوان زیر ۱۶ سال توسط پلیس وی می تواند درخواست گفتگو با وکیل نماید و باید فوراً از این حق آگاه گردد.» همچنانکه می بینیم در قانون فرانسه علاوه بر حق داشتن وکیل به این امر اشاره گردیده است که دادگاه باید فوراً داشتن حق استفاده از وکیل را گوشزد نماید که این امر یکی از بهترین جلوه های رعایت منافع کودکان است.

براساس ماده ۱-۴ تصویب نامه ۱۹۴۵: «نوجوان مورد تعقیب باید توسط یک وکیل مورد معاضدت قرار گیرد. در صورت عدم انتخاب یک وکیل توسط نوجوان یا سرپرستان قانونی وی دادستان جمهوری، نسبت به تعیین وکیل از طریق رئیس کانون وکلا اقدام خواهد نمود.» همین مطلب در ماده ۱۰ تصویب نامه ۱۹۴۵ نسبت به قاضی اطفال یا بازپرس تکرار شده است. به این متن: «نوجوان مورد تعقیب باید توسط یک وکیل مورد معاضدت قرار گیرد. در صورت عدم انتخاب یک وکیل توسط نوجوان یا سرپرستان قانونی وی، قاضی اطفال یا بازپرس نسبت به تعیین وکیل از طریق رئیس کانون وکلا اقدام خواهد نمود.»

بر اساس ماده ۱-۸ همین قانون، قاضی اطفال حین رسیدگی باید مطمئن شود که نوجوان در مراحل پیشین از مساعدت وکیل بهره گرفته است.

۲-۳- حق برخورداری اطفال از وکیل مدافع در کشور ایران

در خصوص حق دسترسی به وکیل و حق اعتراض در مواد مختلف قانون از جمله مواد (۶۹، ۱۸۵ و ۱۸۶ آئین دادرسی کیفری مورد تأکید قرار گرفته است و بر طبق مصوبه مجمع ضمانت اجرای سلب حق گرفتن وکیل انفصال قاضی از خدمت می باشد.

طبق ماده ۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری «شاکای و مدعی خصوصی می تواند شخصاً یا توسط وکیل شکایت کند...»



ماده ۱۸۵ قانون مذکور اعلام می‌دارد: «در کلیه امور جزایی طرفین دعوا می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را انتخاب و معرفی نمایند... در صورت تعدد وکیل حضور یکی از وکلای هریک از طرفین برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است»

ماده ۱۸۶ مقرر می‌کند: «متهم می‌تواند از دادگاه تقاضا کند وکیلی برای او تعیین نماید چنانچه دادگاه تشخیص دهد متهم توانایی انتخاب وکیل را ندارد از بین وکلای حوزه قضایی وکیلی برای متهم تعیین خواهد نمود...»

یکی از ممیزات دادرسی کیفری اطفال نسبت به بزرگسالان الزام به حضور ولی یا سرپرست طفل و یا وکیل او می‌باشد. این الزام که در ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری به عنوان یکی از اصول حاکم بر دادرسی کیفری اطفال مورد توجه قانو نگذار قرار گرفته است، به علت عدم توانایی طفل در دفاع از خویشتن و در جهت جلوگیری از تضییع حقوق طفل می‌باشد. با توجه به فلسفه ماده مزبور، به نظر می‌رسد محدودیت‌هایی که در ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، برای حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی بیان شده است شامل وکیل موضوع این ماده نمی‌شود. بنابراین وکیل طفل در امر تحقیق مداخله می‌نماید. ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «در هنگام رسیدگی به جرایم اطفال دادگاه مکلف است به ولی یا سرپرست قانونی طفل اعلام نماید در دادگاه شخصاً حضور یابد یا برای او وکیل تعیین کند. چنانچه ولی یا سرپرست قانونی اقدام به تعیین وکیل ننماید و خود نیز حضور نیابد دادگاه برای طفل وکیل تسخیری تعیین خواهد کرد... به کلیه جرایم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام نیز در دادگاه اطفال طبق مقررات عمومی رسیدگی می‌شود. ماده ۱۲۸ مقرر می‌دارد: «متهم می‌تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد وکیل متهم می‌تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می‌شود.»



قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار، حضور ولی یا سرپرست قانونی و یا وکیل را در اتهامات از درجه جنایت ضروری می دانست و در غیر این صورت حضور آنان اختیاری بود. چنان که از مفهوم ماده ۹ قانون مزبور و منطوق ماده ۱۱ آن فهمیده می شود: ماده ۹ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار: «دادگاه به کلیه جرایم اطفال با حضور دادستان و یا نماینده او به طور سری رسیدگی می نماید. در دادگاه فقط اولیاء یا سرپرست طفل و وکیل مدافع و اشخاصی که نظر آنان در تحقیقات مقدماتی جلب شده و شهود و مطلعین و نماینده کانون اصلاح و تربیت که دادگاه حضور آنان را لازم بدانند احضار خواهند شد».

ماده ۱۱ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مقرر می دارد: «هرگاه اتهام از درجه جنایت باشد، دادگاه به سرپرست قانونی طفل اعلام می نماید که وکیلی برای او تعیین نموده و یا شخصاً برای دفاع در دادگاه حاضر شود. هرگاه سرپرست اقدام به تعیین وکیل ننماید و شخصاً نیز در دادگاه حاضر نشود، چنانچه دادگاه مداخله وکیل را ضروری تشخیص دهد، وکیل تسخیری برای طفل تعیین خواهد نمود. در امور جنحه و خلاف فقط سرپرست می تواند در دادگاه حاضر شده و از او دفاع نماید».

در جرایم اطفال ماده ۲۲۶ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مقرر می دارد: «در صورتی که مصلحت طفل اقتضاء نماید، رسیدگی در قسمتی از مراحل دادرسی در غیاب متهم انجام خواهد گرفت و در هر حال رأی دادگاه حضوری محسوب می شود». جلسات همواره با حضور ولی یا سرپرست قانونی و یا وکیل طفل تشکیل می شود. در نتیجه در مواردی هم که طفل بنا به مصلحت در جلسه رسیدگی حضور نداشته باشد، حضور ولی یا سرپرست قانونی و یا وکیل طفل الزامی است. به همین جهت رأی صادره از سوی دادگاه، در هر حال حضوری محسوب می شود و قابل واخواهی نمی باشد.

ماده ۲۲۷ قانون مذکور نیز در رابطه با دعاوی خصوصی علیه اطفال همین ترتیب را مقرر می دارد: «دادگاه به دادخواست مدعی خصوصی برابر مقررات رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر می نماید. حضور طفل در دادگاه ضروری نیست».

دعاوی خصوصی علیه اطفال، به دلیل عدم اهلیت آنان باید به طرفیت ولی یا سرپرست قانونی آنها اقامه شود. در نتیجه حضور یا عدم حضور طفل با وجود حضور ولی یا سرپرست قانونی او تأثیری در غیابی بودن حکم ندارد و حضور ولی یا سرپرست قانونی طفل و یا وکیل او در جلسات دادرسی کافی است.

در لایحه آیین دادرسی دادگاه اطفال و نوجوانان بحث الزامی بودن وکیل برای جرایم اطفال پیش بینی شده است. هم اکنون در دادگاه های اطفال همواره دو وکیل از صبح تا پایان وقت اداری در دادگاه حضور دارند که اگر پرونده ای در همان روز ارجاع و مطرح شود، وکیل در دادگاه باشد و به علت عدم حضور وکیل رسیدگی به پرونده به روز بعد موکول نشود. وکلای حاضر در دادگاه اطفال را کانون وکلای دادگستری با تمایل خودشان معرفی کرده است که اغلب به صورت تبرعی به امر دفاع از اطفال و نوجوانان می پردازند.

لایحه رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان با استفاده از دو پیش نویس تهیه شده در معاونت حقوقی و پارلمانی وزارت دادگستری و اداره کل حقوقی و با الهام از قانون تشکیل دادگاه های اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ در سال ۱۳۸۱ پس از جلسات کارشناسی با حضور قضات مجرب دیوان عالی کشور و اساتید دانشگاه تهیه و تدوین شد، در تاریخ ۱۳۸۲/۶/۳۰ به دولت تقدیم گردید و پس از بررسی در کمیسیون لوایح دولت، به مجلس ارسال شد و در حال حاضر کلیات آن مورد تصویب قرار گرفته است. این لایحه در راستای ترمیمی کردن عدالت کیفری در خصوص کودکان و نوجوانان گام هایی برداشته است که از آن جمله می توان به حضور وکیل مدافع در اثنای دادرسی اطفال اشاره کرد:

در خصوص حضور وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی رسیدگی به اتهامات علیه کودکان و نوجوانان علی رغم تأکید اسناد بین المللی، لایحه رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان این موضوع را به سکوت برگزار نموده است و این در حالی است که یکی از چالش های فرا روی حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، نقش و میزان مداخله وکیل در این مرحله است. ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در



امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و تبصره ذیل آن از این منظر قابل انتقاد است. لایحه در ماده ۲۴ مقرر نموده است: «در جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان می باشد یا مجازات قانونی آن بیش از خمس دیه کامل یا سه سال یا بیش از سه سال حبس (خواه به تنهایی یا توأم با مجازات های دیگر) باشد. دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می کند که وکیل برای او تعیین کند. در صورت عدم تعیین وکیل، دادگاه برای متهم وکیل تسخیری تعیین می نماید» در این ماده سایر مقررات لایحه از داسرا و مرحله تحقیقات مقدماتی نامی برده نشده است. ماده ۳۱ لایحه عنوان می دارد: «رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان برطبق مقررات این قانون انجام می شود و در غیر موارد مذکور در این قانون تابع مقررات عمومی آیین دادرسی است.»

باید اضافه نمود، ماده ۷ لایحه مذکور الفوق مقرر نموده است: «مشاوران دادگاه های اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم روانشناسی و تربیتی، مددکاران اجتماعی و دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روانشناسی و تربیتی کودکان و نوجوانان (اعم از شاغل و بازنشسته) انتخاب می شوند. مشاوران برای مدت دو سال توسط رئیس کل دادگستری به این سمت تعیین می شوند و انتخاب مجدد آنان بلامانع است. هرگاه متهم اناث باشد حضور یک مشاور زن در جلسات الزامی است.»

تبصره ماده ۵ لایحه مقرر نموده است که نظر مشاوران مشورتی است. علی رغم اهمیتی که مشاوران در دادگاه اطفال و نوجوانان دارند در مواد لایحه به چگونگی کسب نظر مشاوران اشاره ای نشده است.

در خصوص وکالت در دادگاه اطفال و نوجوانان، ماده ۲۴ لایحه در خصوص حضور وکیل مدافع در دادگاه اطفال و نوجوانان چنین مقرر نموده است: در جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان می باشد یا مجازات قانونی آن بیش از خمس دیه کامل یا سه سال یا بیش از سه سال حبس (خواه به تنهایی یا توأم با مجازات های دیگر) باشد. دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می کند که وکیل برای او تعیین کند. در صورت عدم تعیین وکیل، دادگاه برای متهم وکیل تسخیری تعیین می نماید. در

جرایمی که مجازات قانونی آن جزای نقدی یا شلاق و یا کمتر از سه سال حبس باشد، ولی یا سرپرست قانونی طفل می‌تواند برای دفاع از او در دادگاه حاضر شده و یا وکیل تعیین نماید. در نهایت طبق قانون جدید آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در جرایمی که سن مرتکبین آن‌ها کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی باشد، قانونگذار در مرحله اول، تشکیلات نیروی انتظامی را موظف کرده که پلیس ویژه اطفال و نوجوانان تشکیل دهند تا به صورت ویژه به جرایم آن‌ها رسیدگی شود و همینطور در دادسرا و دادگاه نیز این رویه پیش بینی شده است. پلیس ویژه اطفال به لحاظ روحیه خاص اطفال و نوجوانان تشکیل می‌شود که آموزش می‌بینند با اطفال و نوجوانان چگونه برخورد کنند و قانونگذار به این مطلب مهم توجه داشته که اطفال و نوجوانان روحیه خاص و ویژه خود را دارند.

طبق قانون جدید آیین دادرسی کیفری در دادگاه‌های ویژه اطفال قضات باید ۵ سال سابقه داشته و متأهل و دارای فرزند باشند؛ همچنین چنانچه طفل جرم تعزیری درجه ۱ تا ۶ انجام داده باشد حضور وکیل الزامی است اما اگر اتهام انتسابی ۷ یا ۸ باشد دفاع از آن می‌تواند توسط ولی و یا سرپرست صورت گیرد.

نتیجه گیری

یکی از مظاهر بدیهی دادرسی عادلانه نسبت به کودکان داشتن حق برخورداری از وکیل می‌باشد که اکثر کشورها در حال حاضر به آن اذعان می‌کنند. و نشست‌های بین‌المللی نیز حاکی از همین امر است. الزامی کردن وکیل در فرایند رسیدگی می‌تواند از مولفه‌های مهم جهت پیشگیری از تکرار بزه دیدگی به شمار آیند. چرا که اگر مصلحت طفل اقتضا نماید رسیدگی به دادرسی اطفال می‌تواند بدون حضور متهم و تنها با حضور وکیل یا ولی او صورت پذیرد. بنابراین حضور نداشتن متهم در چنین محیطی در بسیاری از موارد می‌تواند برای بازپروری وی سازنده بوده و عدم ارتکاب مجدد جرم را به همراه داشته باشد. از سوی دیگر داشتن وکیل یکی از شقوق حق دفاع متهم به شمار می‌آید چرا که در اینجا متهم یک



طفل نا آگاه است و طبیعتاً حمایت از حقوق دفاعی وی توسط یک وکیل بهتر تأمین می‌گردد. در اینجا به حق باید گفت در حال حاضر از منظر مقنن، اطفال تحت حمایت ویژه و قابل قبول می‌باشند و حق برخورداری از وکیل مدافع در تمام مراحل دادرسی اطفال امری ضروری و مطابق با روحیات شکننده اطفال می‌باشد.

فهرست منابع

- الیاسی، راحله، بایسته های دادرسی اطفال با تأکید بر جایگاه پلیس، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره چهارم، ۱۳۸۶.
- جعفری، عباس، ویژگی های دادرسی اطفال و نوجوانان، نشریه تعالی حقوق، سال سوم، شماره ۲۶، ۲۵، مهر و آبان ۱۳۸۷.
- دهقانی، علی، حقوق کیفری شکلی کودکان و نوجوانان، نشریه تعالی حقوق، سال دوم شماره ۷ و ۸ فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶.
- دادخواه، علی، الزامی بودن وکیل برای جرایم اطفال، نشریه کانون وکلای دادگستری، شماره ۲۲ زمستان ۸۴
- زراعت، عباس، مهاجری، علی، شرح قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، جلد دوم، انتشارات فیض، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- سید اصفهانی، سید حسام الدین، دادرسی ویژه نوجوانان در فرانسه، نشریه تعالی حقوق، سال دوم، شماره ۱۶ و ۱۷، دی و بهمن ۱۳۸۶.
- ساطعی، زهرا، دادرسی کیفری اطفال بزهدکار، ماهنامه دادرسی شماره ۸۴، سال چهاردهم، بهمن و اسفند ۱۳۸۹
- قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵.
- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
- کوشا، جعفر، حقوق کودک، (مجموعه مقالات) مرکز و کرسی حقوق بشر صلح و دموکراسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.
- کنوانسیون حقوق کودک.
- طهماسبی، جواد، تحولات دادرسی اطفال در حقوق ایران، نشریه تعالی حقوق، سال دوم شماره ۷ و ۸ فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶.



لایحه رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان.
مصفا، نسرین، کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق ایران، نشر گرایش، ۱۳۸۳.
میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.
مقررات پکن.

